

عدالت انتقالی: پایه‌های آرامش قربانیان نقض حقوق بشر

مهدی ذاکریان

دکتر مهدی ذاکریان، استاد مدعو دانشکده حقوق دانشگاه پنسیلوانیا
هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات mzakerian@law.upenn.edu

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۵/۶/۳۱

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هشتم، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۶۴-۱۵۱.

دیباجه

بسیاری گمان می‌برند که باید از ستمی که بر یک فرد وارد می‌شود، گذاشت نمود. در گفتمان مسیحیت چنین رویکردی بسیار پر رنگ است و همین گفتمان سبب‌ساز شکل‌گیری رهیافت نوین فلسفی در علم حقوق گردید که منجر به نادیده گرفتن مجازات مرگ و کوچک شمردن پدیده قصاص گردید. این رهیافت به شیوه و انگیزه‌های دیگر از سوی حاکمان مستبد در کشورهای جنوب نیز تبلیغ و ترویج می‌شد. بر پایه این رویکرد اگر به شما آسیبی وارد شد، حقوق شما نقض شد، عدالت و دادگری درباره شما به اجرا در نیامد و با پاره‌ای از قواعد حقوق بشر نسبت به شما نقض گردید باید کمی گذشت کنید. آنها را از یاد ببرید دنیا پر است از بی‌عدالتیهای فراوان و بهترین درمان چنین آسیب‌هایی فراموشی است. این موضوع هنگامی رنج‌آور می‌شود که با قربانیان نقض گسترده حقوق بشر هم این‌گونه سخن بگوییم. عدنان شهروند عراقی، پدر خود را پای چوبه‌دار به دلیل مخالفت با صدام از دست داد. برادران بزرگ‌تر او شغل خود را از دست دادند و او که کودکی بیش نبود جز خاطره‌های تلخ زندگی چیزی به ذهن ندارد گفته می‌شود که اکنون و در آینده حقوق شهروندی به عراق باز خواهد گشت و عدنان‌های دیگر گواه ستمهایی که بر عدنان رفت نخواهند بود ولی پرسش اینجاست که آیا این امر می‌تواند خاطره‌های تلخ عدنان را پاک کند؟ ستمهای وارد شده به او و خانواده‌اش را جبران کند؟ نا آرامیها و تنشهای آن روزها را از ذهن او پاک کند؟

اینجاست که «عدالت انتقالی» به کمک عدنان، خانواده او و خانواده‌های مانند او می‌آید. عدالت انتقالی موضوع جبران حقوق و زیانهای قربانیان نقض حقوق بشر است. عدالت انتقالی تلاش می‌کند شیرینی امروز و فردای حقوق بشر را به گذشته عدنانها هم

منتقل کند تا دیروز آنها هم به مانند امروزشان ارزش زندگی و ثبت زندگی داشته باد ضمن اینکه ساز و کارهایی را فراهم آورد که آینده‌ای پرثبات، مطمئن و همراه با آرامش و دموکراسی بسازد. البته اگرچه عدالت انتقالی از پاک کردن همه ردپاهای گذشته ناتوان است و آثار روحی و روانی آن همواره می‌ماند ولی تلاش است برای تسکین رنجهای گذشته و ساخت فردایی شیرین، نوشتار پیش روی، اهداف، تکنیکها، دشواریها و به ویژه روشهای گوناگون پیاده‌سازی عدالت انتقالی را بررسی، تبیین و تحلیل می‌کند.

اهداف

عدالت انتقالی مربوط به جوامعی است که در حال گذار از جنگ به صلح یا از یک رژیم اقتدارگرا به نظام دموکراتیک هستند.^(۱) بنابراین انگیزه اصلی از عدالت انتقالی استقرار صلحی پایدار و دموکراسی مطمئنی است که به مردم یک کشور آرامش همیشگی را هدیه کند در این زمینه اهدافی را که می‌توان برای عدالت انتقالی بر شمرد عبارتند از برخورد با میراث سنگین سوء استفاده گسترده از عدالت جزایی، نگاه به نوعی عدالت جبرانی و ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی^(۲) تا یکایک افراد جامعه بیاموزند که آینده‌ای مطمئن همراه با کنترل معیارهای حقوق بشر را باید ساخت و در پیش رو قرار داد. به همین روی هدف اصلی عدالت انتقالی کمک به نابودی هر گوه سوء استفاده از عدالت کیفری و برقراری عدالت اجتماعی پایدار است. همچنین ایجاد مسئولیت برای ارتکاب جرایم انجام شده در گذشته و پیش بینی اینکه نقض برخی از قواعد بشر و قربانی کردن افراد یک جرم بین‌المللی و فراملی است.^(۳)

این موضوع می‌تواند هشدار برای رهبرانی باشد که ستم بر شهروندان کشورهای خود را پیشه کرده‌اند و آن را ادامه می‌دهند. شاید اگر پینوشه، میلوسوویچ، صدام حسین و بسیاری دیگر از رهبران مستبد و دیکتاتور می‌دانستند که در برابر سخنان، تصمیمها و رفتارهایشان دارای مسئولیت هستند و هر نوع رفتاری غیر حقوق بشری می‌تواند منجر به بازخواست و اتهام ارتکاب شود، هیچ‌گاه مرتکب جرایمی مانند نسل‌کشی، نقض گسترده حقوق بشر، شکنجه، اعدامهای اختصاری و غیر نمی‌شدند و

دیگران نیز می‌آموختند که در برابر بسیاری از امور دارای مسئولیت هستند و چه بسا که سرنوشتی جز سرنوشت رهبران یاد شده در انتظار آنها نباشد. در همین زمینه است که موضوع ایجاد مسئولیت برای جرایم ارتكابی انجام شده در گذشته و پیش‌بینی اینکه برخی از رفتارها نیز جرم محسوب می‌شوند و در آینده نباید مرتکب آنها شد. از اهداف مهم عدالت انتقالی محسوب شده و بر آن تاکید می‌شود.

بنابراین اگر بخواهیم اهداف عدالت انتقالی را یکبار دیگر مرور کنیم عبارتند از:

- شخص کردن نقض حقوق بشر صورت پذیرفته
- بررسی و تبیین جرایم
- شناسایی مسئولین و مرتکبین نقض حقوق بشر
- مجازات مسئولین نقض حقوق بشر
- تخصیص غرامت به قربانیان نقض حقوق بشر
- ممانعت از تکرار نقض حقوق بشر در آینده
- بازسازی و ترمیم روابط میان شهروندان و حکومتها
- حمایت و تحکیم صلح و دموکراسی
- تشویق و ترغیب به سازش و همزیستی در سطح فردی و ملی^(۴)

تکنیکها

عدالت انتقالی اساساً روی چهارساز و کار حقوقی اصلی قرار می‌گیرد که عبارتند از: الف). دادگاههای شامل دادگاههای مدنی یا کیفری ملی یا بین‌المللی و داخلی یا خارجی؛ ب). تحقیق که برگرفته بررسیهای ملی رسمی مانند کمیسیونهای حقیقت‌یاب، کمیسیونهای تحقیق بین‌المللی ساز و کارهای سازمان ملل متحد با همکاری سازمانهای بین‌المللی غیر حکومتی است؛ ج). جبران غرامت که در برگرفته غرامتهای تکمیلی، تشویقی و سمبلیک به منظور جبران خسارتهای مادی یا ایجاد سازش است؛ د). اصطلاحات حقوقی و قضایی^(۵) که در برگرفته اصلاحات محتوایی و شکلی است که در شق نخست اصلاحات قانونی، رویه‌ای و آیین‌نامه‌ای و در شق دوم در برگرفته اصلاحات نهادی و ساختاری است.

چهار شیوه یاد شده در بالا، تکنیکهای کلانی هستند که در ادبیات عدالت انتقالی به چشم می‌خورند و هر یک خود به صورت جزئی و تخصصی‌تر قابل بررسی و بحث هستند که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

دادگاهها

افرادی همواره دادگری را با ترازوی آن می‌سنجند و این چیزی به ذهن تبادر نمی‌کند جز «دادگاه» در موضوع عدالت انتقالی نیز دادگاهها یا محاکم، یا یک ساز و کار بزرگ پراهمیت و آغازین به شمار می‌روند که می‌توانند در انتقال از نظامهای اقتدارگرا به مردم سالار بسیار موفق عمل کنند در مواقع هم برپایه حقوق بین‌المللی همه دولتها متعهد به تحقیق درباره نقض حقوق بشر هستند که خود در دو حوزه مطرح است: نخست نقض گسترده و فاحش حقوق بشر که شامل شکنجه اعدامهای اختصاری، ناپدیدشدگی اجباری، بردگی، بازداشت‌های غیرقانونی و طولانی مدت است. دوم جرایم بین‌المللی که شامل ژنوساید، جنایت علیه بشریت و نقض فاحش قواعد عرفی مربوط به درگیریهای مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی است.^(۷)

این تعهد دولتها دست‌کم در بر گیرنده مسئولیت استرداد یا تعقیب دادگستری ناقضین حقوق بشر و مرتکبین چنین جرایمی است به گونه‌ای که ماهیت عرفی این تعهدات سبب شده است تا در حقوق داخلی، جزایی و اساسی بسیاری از ملتها وارد شود.^(۸) این موضوع از جمله همفکریهایی است که بیشتر دولتها آن را به تصویب جهانشمول رسانده‌اند. به ویژه قراردادها بین‌المللی و ملی به روشنی چنین تعهداتی را تأیید می‌کنند، همچنین بسیاری از بیانیه‌ها و قطنامه‌های سازمان ملل متحد و دادگاه اروپایی حقوق بشر از این تعهدات پشتیبانی می‌کنند. اگر چه یک Marginal appreciation در این زمینه پیش‌بینی شده است.^(۹) البته بایستی به این نکته هم توجه کرد که دادرسیهای ملی نسبت به دیگر محاکم دارای ترجیح هستند زیرا با توجه شرایط سیاسی و اجتماعی یک کشور و در جریان تغییرات عدالت انتقالی چه از نظر فرآیند و چه عملیاتی بهتر می‌توانند عمل کنند.^(۱۰)

شکل‌گیری محاکم جهانی نیز به چند گونه بوده است محاکم بین‌المللی مانند

دادگاه یوگسلاوی سابق، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم بین‌المللی شده مانند دادگاه ویژه سیرالئون و دادگاه‌های خارجی مانند دادگاه بروکسل و دادگاه بریتانیا و دادگاه‌های ملی مانند دادگاه در ایالات متحده آمریکا از محاکم بین‌المللی می‌توان به دادگاه جنایتکاران جنگی یوگسلاوی سابق اشاره کرد که در سال ۱۹۹۳ طی قطعنامه شورای امنیت پس از جنگ سرد شکل گرفت. این دادگاه در واقع نخستین دادگاه بین‌المللی برای جرایم جنگی از هنگام شکل‌گیری دادگاه‌های نظام نورمبرگ و توکیو محسوب می‌شوند.^(۱۰) این دادگاه راجع به محاکمه افرادی است که متهم به جنایات جنگی، ژنوساید، جنایت علیه بشریت و نقض فاحش کنوانسیون ژنو در یوگسلاوی از سال ۱۹۹۱ می‌باشند.^(۱۱) حساس‌ترین برهه در تاریخ دادگاه یوگسلاوی هنگامی بود که در ژوئن ۲۰۰۱ اسلویدوان میلوسوویچ رئیس‌جمهور سابق یوگسلاوی تحویل دادگاه شد. بازداشت و تحویل میلوسوویچ یک نقطه قوت در تلاش‌های مربوط به تضمین تداوم مسئولیت‌ها برای جنایات بین‌المللی ارتكابی طی بیش از ده سال گذشته در یوگسلاوی سابق بود.^(۱۲)

همچنین دادگاه رواندا، دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه مختلط سیرالئون اهمیت موضوع و توجه به تحول محاکم کیفری بین‌المللی را افزوده‌اند. فرآیند تقویت همین محاکم سبب شد تا با صلاحیت جهانشمولی که یافته‌اند و بر پایه اصول حقوق بین‌المللی برخی دولت‌ها به خود اجازه دهند تا نسبت به برخی از جرایمی که در خارج از مرزهای سرزمینی آنها رخ می‌دهد صلاحیت قضاوت را به دست آورند. در این زمینه بسیاری از کشورهای اروپای باختری به ویژه بلژیک علیه اتباع خارجی متهم به مسئولیت جنایات بین‌المللی وارد عمل شدند. همچنین برخی از دادگاه‌ها توانستند یک صلاحیت قضایی مبتنی بر قرارداد. را برای عمل خود احراز کنند، مانند تعقیب پیونشه در سال ۱۹۹۹ در بریتانیا که به واسطه تعهدات قراردادی مربوط به کنوانسیون ضد شکنجه پدید آمده بود.^(۱۳) برخی کشورها مانند آمریکا نیز قوانین ویژه خود را در این زمینه دارند. در ایالات متحده آمریکا شکات خارجی می‌توانند یک دادرسی مدنی برای جنایات بین‌المللی توسط اتباع خارجی در کشورهای مبدأ خود را به واسطه یکی

از دو قانون زیر ارایه کنند: (۱) قانون مربوط به خسارت نسبت به بیگانگان^۱ و (۲) قانون حمایت از قربانیان شکنجه^۲

با این همه، گاه محاکم مزبور با موانعی روبه‌رو می‌شوند از جمله به دست آوردن حکم فوری بازداشت موقت متهم در هنگام نیاز با ضرورت، پدیداری دیگر موانع ممکن حقوق مانند جرایم دوگانه، اصل استثنا، جرم سیاسی، قانون ثبت پذیرش، مصونیت دیپلماتیک مقامات دولتی و حکومتی و ... علاوه بر دادگاههای بین‌المللی، بین‌المللی شده، خارجی و ملی می‌توان به دادگاههای بین‌دولتی نیز اشاره کرد که می‌توانند آراء و راه‌حلهای قضایی برای نقض حقوق بشر ارایه کنند. دو نمونه روشن و موفق آیین توع دادگاهها دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر است.^(۱۴)

عفو

عفو به کسب مصونیت یا بخشش از قانون قابل اجرا گفته می‌شود که از سوی دولت به یک دسته معینی از افراد برای یکسری اعمال معین داده می‌شود. در واقع عفو ابزارهای استثنایی برای حل وضعیت خارق‌العاده یا یک مرحله از زندگی یک ملت است.^(۱۵) البته بایستی به تفاوت بسیار ظریفی که میان عفو و بخشش وجود دارد توجه کنیم و آن اینکه بخشش معمولاً پس از طی مراحل قضایی انجام می‌شود.

این که عفو در جاهایی می‌تواند به سلامت یک جامعه کمک کند و اهداف عدالت انتقالی را محقق سازد موضوع روشنی است. ولی ممکن است در جاهایی عفو غیر قابل پذیرش باشد از جمله:

۱. هنگامی که حق قربانیان در غرامت ضایع شود؛ ۲. هنگامی که در تعارض با تعهدات بین‌المللی یک دولت باشد؛ ۳. هنگامی که از منظر حقوق بین‌المللی، شماری از مرتکبین نقض حقوق بشر بایستی مجازات شوند؛ ۴. هنگامی که حیثیت علم حقوق و قضا لکه‌دار شود؛ ۵. آنگاه که مرتکبین جرایم عادی در خیابانها دستگیر و مرتکبین

1. The Aline Tort Claims Act (ATCT)

2. The Torture Victims Protection Act (TVPA)

جرایم نقض حقوق بشر آزاد باشند؛ ۶. این برداشت که ارتکاب جرایم سنگین می‌تواند بدون تاوان و مجازات باشد؛ ۷. و دیگر اینکه مرتکبین جرایم فاحش حقوق بشر فکر کنند که با عفو می‌توانند از مجازات بگریزند.^(۱۶) البته هیچ کنوانسیون بین‌المللی صراحتاً عفو را ممنوع و یا تشویق نمی‌کند. مگر پرتوکول دوم الحاقی به کنوانسیونهای ژنو که عفو را در شرایط درگیریهای مسلحانه داخلی تشویق می‌کند، با این همه، این تشویق به معنای حمایت از عفو در هنگام نقض حقوق بین‌المللی بشر دوستانه نیست. بلکه عفو درباره موضوعاتی مانند خشونت در هنگامی شورشها، خیانت استفاده غیرقانونی از سلاح و ... است.^(۱۷)

عفو در چه جاهایی کاربرد دارد؟ چگونه می‌توان از آن برای کمک به عدالت انتقالی بهره گرفت؟ و راههای گسترش منطقی آن چیست؟ در این زمینه بایستی گزینه‌های ذیل را مورد توجه قرار داد.

۱. عفو تنها پس از بررسی عدم امکان به کارگیری دیگر روشهای و متدها قابل اعمال است؛ ۲. به کارگیری عفو بر حسب ضرورت و بنا به شرایط و نیاز؛ ۳. به کارگیری عفو برای اعمال مفاد عدالت؛ ۴. به کارگیری بر مبنای جرم و اینکه ارتکاب آن جرم قابل عفو است یا نه؛ ۵. با توجه به اشخاص که آیا قابلیت عفو را دارند یا نه؟ ۶. با توجه به تصمیم یک کشور و شرایط آن کشور که چه جرایمی قابل عفو است، برای مثال ماسدونی جرایم بین‌المللی را شامل عفو ندانست.^(۱۸) با توجه به کارایی عفو در آشتی ملی.

کمیسیونهای حقیقت‌یاب

کمیسیونهای حقیقت‌یاب ارگنهای موقتی هستند که معمولاً برای یک تا دو سال کار می‌کنند. این کمیسیونها به طور رسمی از سوی دولت و در برخی از مواقع از سوی مخالفان مسلح تأیید می‌شوند. کمیسیونهای حقیقت‌یاب ارگنهای قضایی هستند که مستقل می‌باشند و معمولاً در هنگامی انتقال وضعیت‌های سیاسی از جنگ و صلح یا از رژیم اقتدارگره به رژیم مردم سالاری به وجود می‌آیند. این کمیسیونها در مسایل گذشته متمرکزند و وقایع گذشته را بررسی می‌کنند. در واقع کمیسیونهای حقیقت‌یابی

پاسخگویی درخواستهای قربانیان و آسیبهایی که به آنها وارد می‌باشند. کار این کمیسیونها با ارایه یک گزارش، جمع‌بندی و توصیه‌های پایان می‌یابد و همه اینها در موضوع نقض حقوق بشر و استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه متمرکزند از سال ۱۹۷۴ تاکنون دست کم ۲۵ کمیسیون حقیقت‌یاب با نامهای متفاوت به وجود آمدند، مانند: کمیسیونهای تاپدیدشدگان در آرژانتین، اوگاندا و سرلانکا، کمیسیونهای حقیقت‌یاب و عدالت در هائیتی، اکوادور، کمیسیون حقیقت‌یاب و سازش در شیلی، آفریقا جنوبی، سیرالئون، غنا، پرو، صربستان و مونته‌نگرو، کمیسیون تحقیق برای ارزیابی پیامدهای تاریخ دیکتاتوری آلمان شرقی در آلمان و به تازگی کمیسیون پذیرش، حقیقت‌یاب و سازش در تیمور شرقی.^(۱۹) البته یکسری تفاوتها و تمایزهایی نیز در درون کمیسیونهای حقیقت‌یاب وجود دارد. که بایستی به آنها توجه نمود. نخست اینکه برخی کشورها کمیسیونهایی را راه‌اندازی کردند که تنها در راستای تبیین حقایق تاریخی و اعاده حیثیت و افتخار به قربانیان و بازماندگان ناشناس آنها بوده است، نه به منظور انتقال یا گذار سیاسی. دوم یکسری کمیته‌های تحقیق وجود دارند که با کمیسیونهای حقیقت‌یاب فرق دارند. سوم شماری از پروژه‌های غیر حکومتی که همانند کمیسیون حقیقت‌یابی دنبال کشف ماجرا هستند ولی کمیسیون حقیقت‌یاب نیستند. چهارم ارگانهای تحقیق دایمی روی موضوع حقوق بشر مانند ساز و کارهای حقوق بشر سازمان ملل متحد که با کمیسیونهای حقیقت‌یاب فرق دارند.^(۲۰)

به رغم وجود همه گونه‌های یاد شده از ساز و کارهای تحقیق، کمیسیون حقیقت‌یاب شناخته شده‌ترین ساز و کار عدالت انتقالی با بیشترین ارتباط با عدالت انتقالی در تئوری و عمل است. این کمیسیونها در شرایط بهینه می‌توانند در امور زیر سودمند باشند: کشف حقایق، روشن شدن نقض حقوق بشر در گذشته و تشویق بر ایجاد مسئولیت برای مرتکبین جنایات با اعلام عمومی اسامی مسئولین آن، توصیه برنامه جبران و پرداخت غرامت به قربانیان، اصلاحات قضایی و قضایی و نهادی لازم، فراهم آوردن یک تریبون عمومی برای قربانیان برای آنکه آنها داستان شخصی خود را مستقیم و جلوی مردم نقل کنند، اختصاص یک بحث و مناظره عمومی برای تضمین بهتر آینده، رشد و ساخت همزیستی و آشتی و تسامح در سطح شخصی و ملی.

با این همه دشواریهایی نیز برای کار این کمیسیونها دیده می‌شود از جمله نبودن زمان برای انجام کامل مأموریت، نبود بودجه، پرونده‌های انبوه، نبود همکاری از سوی مرتکبین جنایات، قدرت محدود کمیسیون و عدم صلاحیت در حمایت از قربانیان و ... همچنین درباره همراهی نام «سازش» با نام «کمیسیون حقیقت‌یاب» و اینکه این نام به دلیل اینکه سازش جزو مأموریت کمیسیون است بایستی همراه با نام کمیسیون باشد یا نه؟ اکثریت بر این باورند که این دو نام بهتر است با هم باشند در مقابل شماری دیگر بر این باورند که کمیسیون تنها بیانگر دریافت اخبار و اطلاعات و حقایق است. بنابراین بایستی نام سازش را بر این اضافه کرد. با این همه در آفریقا جنوبی از هر دو نام در کنار هم بهره گرفته شد.^(۳۱)

گرامت و قربانیان

در موضوع عدالت انتقالی دولتها تنها متعهد به عمل علیه مسئولین نقض حقوق بشر نیستند. بلکه در راستای منافع قربانیان نقض حقوق بشر نیز باید عمل کنند. مثلاً جبران یا پرداخت غرامت مستقیم به برخی از مصایبی که قربانیان نقض حقوق بشر متحمل شدند می‌تواند ثبات و آرامش بیشتری را در کشور بیافریند.^(۳۲) انگیزه‌های پرداخت غرامت عبارتند از قدردانی از قربانیان چه افراد و چه اجتماع، به وجود آوردن یک یاد بود از مصایب گذشته و یک ثبات اجتماعی برای قربانیان، تدارک یک پاسخ متین به تقاضاهای غرامت، پیشبرد سازش با اعتماد سازی دوباره میان قربانیان و دولت.^(۳۳)

درباره چگونگی و شیوه پرداخت نیز بایستی به تکنیکهای ویژه‌ای توجه کرد: ۱. تعیین دقیق گروه دریافت کننده غرامت (قربانیان)؛ ۲. میزان پرداخت به هر فرد؛ ۳. تصمیم درباره پرداخت ملای و یا ارایه خدمات ویژه؛ ۴. بررسی موضوع ادغام و یا ترکیبی از پرداخت نقدی و ارایه خدمات ضمن اینکه به دشواریهای این تکنیک نیز بایستی توجه نمود. برای مثال چه مقدار می‌توان در مقابل از دست دادن یک چشم، شکنجه‌های روانی و یا ... پرداخت؟ که در این زمینه‌ها، آیا پرداخت مادی جبران خسارت می‌کند؟

اصلاحات قضایی

کشورهایی که از استبداد یا جنگ خارج می‌شوند بایستی نهادها، سیستم‌های قضایی و سیاسی خود را اصلاح کنند تا به اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی درازمدت مورد نیاز خود دست یابند.^(۴) در واقع در موضوع عدالت انتقالی اصلاح‌ساز و کارهای حقوقی و سیاسی، بازبینی قوانین و به کارگیری یک سیستم کارآمد می‌تواند به ثبات جامعه و گذار منطقی از یک نظام اقتدار گرا به نظام دموکرات اثر گذار باشد. عزل اشخاص که از اموال دولتی و بیت‌المال سوء استفاده کرده‌اند. ایجاد نهادهای جدید برای حمایت از حقوق بشر، از کار انداختن و بی‌اعتبار کردن نهادهای که می‌توانند سوء استفاده را به وجود آورند، ایجاد دوره‌های آموزشی حقوق بشر، حقوق سیاسی و برنامه‌های حرفه‌ای و ایجاد اصلاحات قضایی و حقوق اساسی برای یافتن روشهای بهتر حکومتداری و پشتیبانی بهتر از حقوق بشر راهکارهای سودمند در این زمینه هستند ضمن اینکه سیستم «پاکسازی» vetting می‌تواند سبب ساز عدم استمرار کار افرادی شود که در اداره پلیس، ارتش، قوه قضاییه و ... سوء استفاده‌هایی را کرده‌اند و یا چنین افرادی را دیگر در نظام اداری به کار نگرفت.

دستاورد

در هنگامه‌ای ساز و کارهای حقوق بشر قدرت فزاینده‌ای می‌یابند، عدالت انتقالی می‌تواند سبب ساز گذار پایدار جوامع از یک وضعیت اقتدارگرا یا دیکتاتوری به دموکرات و آرامش جو شود و حقوق قربانیان نقض حقوق بشر را تأمین کند. اکنون شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و بسیاری دیگر از ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشر در تلاشند تا به کنترل و ترویج حقوق بشر پردازند و ساز و کارهایی تنبیهی و جزایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی نیز در این زمینه همانند مکانیزم جزایی و کنترلی عمل می‌کنند. ولی فراتر از موضوع ترویج، گسترش و کنترل حقوق بشر موضوع قربانیان نقض حقوق بشر و گذار یک چنین جامعه‌ای که آکنده از قربانیان نقض حقوق بشر است به یک جامعه با ثبات، دموکرات و پایدار مطرح است. در این زمینه، عدالت انتقالی یا تکنیکهای خاص خود به کمک چنین جوامع و قربانیان نقض

حقوق بشر می‌آید. دادگاهها، عفو، کمیسیونهای حقیقت یاب، پرداخت غرامت، سازش و اصلاحات حقوق و قضایی هر یک به تنهایی و در بیشتر موارد در کنار یکدیگر و با هم می‌توانند گذار یک جامعه را به سوی صلح و دموکراسی فراهم کنند. اگر چه «عدالت انتقالی» موضوع و رشته‌ای بدیع در حقوق بشر است ولی ریشه‌های کهن هر یک از تکنیکهای آن می‌تواند به عدالت انتقالی اعتبار و روایی ویژه‌ای در حوزه حقوق بشر ارایه کند و کمکی باشد برای گذار از یک جامعه اقتدارگرا به یک جامعه دموکرات با دارا بودن معیارهای با ثبات و یا پایدار حقوق بشر. *

پی‌نوشت‌ها:

1. Charles Villa-Vicencio, *les ressources de la transition*, Le cap institut pour la justice et La Reconciliation, 2005, p. 1.
2. Mark Freeman *Qu' est - ce que la justice Fransitionnelle?*, New York institut de la justice transitionelle, 2005, p. 1.
3. *Ibid.*
4. Mehdi Zakerien-*Qu' est-ce que la juctice transitionelle?*, Discours Presente a al Fondation universitaire europeennes a Bruxelles, Decembre2005.
5. Mark Freeman, *op.cit.*, p. 1.

۶. در این زمینه و برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

William Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*, Cambridge Cambridge University Press, 2001.

این کتاب به تازگی توسط جناب آقای دکتر میرعباسی به زبان پارسی برگردانده شده است.

www.icc-cpi.int.

7. Mark Freeman, *op.cit.*, p. 4.

8. *Ibid.*

9. *Ibid.* p. 5.

10. *Ibid.* p.6.

11. 5/Res/808/1993.

۱۲. بنگرید به مهدی ذکریان حقوق بشر در هزاره جدید تهران انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، صص ۱۱۲-۱۱۱.

13. Mark Freeman, *op.cit.*, p. 7.

۱۴. بنگرید به مهدی ذاکریان، پیشین، صص ۱۳۶-۱۳۳.

15. Erik Dontader L'annisite, *Afrique Sud: Institue for justice and Reconciliation*, 2005, pp. 31-36.

16. Ronald Slye, "The Legitimscy of Amnesties under International Law of Anglo-American Law," *Virginia Journal of International lan*, No. 43, 2002.

۱۷. بنگرید به بند ۵ ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی:

- ICRC *Protocols Additional to the German Conventions of the 12 August 1949*, Geneva: CICR, 2006, P. 95.

۱۸. بنگرید به:

- Diana Orentlicher, "Settling Accounts: The Duty to Prosecute Human Rights Violations of a Prior Regime," *Yale Law Journal*, No. 100, 1991.
- Mark Freeman, *op.cit.*, pp. 10-11.
- Charles Ville, Vicerncio and Erik Dontader (eds). *The Provocations of Amnnt..Y: Memory, Justice and Impunity, Le Cap: David Philip, 2003.*
- 19. Charles Villa, Vicerncio, *Les Commissions Verite, op.cit.*, pp. 3-9.
- 20. Priscilla Hayner, *Unspeakable Truths: Confronting State Terror and Atrocity.*, New York Routledge. 2001.
- Mark Freeman, *op.cit.*, pp. 13-14.
- 21. James Wilmot and Linda Van De Vijver (eds), *After the TRC: Reflections Truth and Reconciliation in South Africa, Le Cap David Philip, 2000.*
- 22. Wole Soyinka, *The Burden of Memory, The Muse of Forgiveness*, New York: Oxford University Press, 1995, pp. 12-15.
- 23. Erik Doxtader, *Les Reparations, op.cit.*, pp. 39-99.
- 24. www.asil.org/resource/humrts1.htm; Mark Freeman, *op.cit.*, p.20.

همچنین بنگرید به کتاب:

Jack Donnelly, *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Ithaca: Cornell Uornell University Press, 2003.